



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

# شهر اشتراکی: تحقق یک رویا

گفت‌وگویی با جنیفر لموس و خوزه لوئیس سیفونتی

ترجمه‌ی: محمد غزنویان



بهمن ۱۳۹۹

ال‌مویزال یک کمون روستایی است که در حدفاصل ایالات لارا و پورتوگسا واقع شده و عمیقاً به شعار چاوز «یا کمون یا هیچ چیز» متعهد است. اکنون در اوایل سال ۲۰۲۱ کموناردها در حال ترویج آرمان هوگو چاوز یعنی شهرهای اشتراکی هستند. این ساخت دموکراتیک نوین طی فرایندی هفت کمون را گرد هم خواهد آورد که به گفته‌ی کمونارد ویندلی ماتوس «به‌جای سرمایه، مردم را در کانون تشکیلات محلی قرار خواهد داد.»

با دو کمونارد متعهد جنیفر لموس و خوزه لوئیس سیفونتس به گفتگو می‌نشینیم که ما را با روند تکوین سیاسی و نظری این شهر اشتراکی نوین آشنا خواهند ساخت. لموس شخصیتی کلیدی در سازمان شهر اشتراکی هوگو چاوز است و سیفونتس کموناردی است که آسایش خود را در کاراکاس برای زندگی در ال‌مویزال ترک کرد.

(توجه: اصطلاح «منطقه‌ای» در فرایند بولیواری، سازمان‌های بخش‌هایی مانند جوانان و کارگران را از سازمان‌های مردم‌بنیاد و جامعه‌محور متمایز می‌کند.)

**سوال: اگر کمون را مبنای دموکراتیزه‌سازی جامعه از حیث اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بدانیم، شهر اشتراکی واجد چه نقشی خواهد بود؟**

**سیفونتس:** در وهله‌ی نخست باید درک کنیم که شهرهای اشتراکی به خودی خود هدف نیستند. شهرهای اشتراکی بخشی از فرایند مترقی سازمان توده‌ای هستند. با به قدرت رسیدن چاوز، منطق سپهر سیاسی از رهگذر مشارکت عمومی تغییر رادیکالی کرد.

پیش از چاوز، **انجمن‌های محلی** (asociaciones de vecinos) ساختار اصلی سازمان مردم‌بنیاد بودند، هرچند بسیار محدود بودند. انجمن‌های همسایگان (asambleas de barrio) در برخی محلات کاراکاس مسبوق به سابقه بودند. آن‌ها بذرهایی آن چیزی بودند که در آینده به بار نشستند.

با آمدن چاوز، کمیته‌های عمل منطقه‌ای شروع به سازمان‌دهی کردند: کمیته‌های زمین شهری (comités de tierra urbana)، کمیته‌های تخصصی آب (mesas técnicas de agua) و کمیته‌های بهداشت و درمان (comités de salud) که جملگی در اوایل انقلاب بولیواری متولد شدند، نخستین گام‌ها در جهت یک سازمان وسیع توده‌ای منطقه‌ای با هدف حل مشکلات مردم بودند.

شوراهای عمومی — که کمیته‌های عمل را گرد هم آورد — بر این بستر پدید آمدند. در واقع، تدارک یک ساز و برگ قانونی برای تجلی‌های متنوع سازمان‌های توده‌ای، کاری بود که چاوز انجام داد. بدین ترتیب،

قانون شوراهای همگانی در سال ۲۰۰۶ شکل گرفت. به عبارت دیگر، شوراهای همگانی بخشی از فرآیند سازمان‌دهی توده‌ای با خصلتی عمیقاً دموکراتیک هستند.

در این فرآیند، نیاز به تشکیل کمون‌ها احساس شد (در سال ۲۰۰۹). کمون‌ها، فضایی برای ادغام چندین شورای همگانی هستند. کمون‌ها مانند شوراهای همگانی، منطقه‌ای هستند: آن‌ها حکومت مردم‌اند.

چاوز ایده‌ی یک نظام یکپارچه از کمون‌ها را که به سوسیالیسم بولیواری تبدیل شود، مطرح کرد. گام بعدی در این مسیر متری با عزیمت از شوراهای همگانی به کمون‌ها، آفریدن شهر اشتراکی است.

شهر اشتراکی برآمده از چندین کمون در یک منطقه برای خلق نمونه‌ای از خودگردانی بر پایه‌ی واقعیت‌های توده‌هاست. البته، کلید تمام این‌ها فرآیند تصمیم‌گیری‌ای است که مردم به مدد آن سرنوشت خود را در انجمن‌ها تعیین می‌کنند و بدین‌سان بر شیوه‌های قدیمی تصمیم‌گیری فائق می‌آیند.

در پاسخ به این پرسش که مزیت آفرینش یک شهر اشتراکی در چیست باید گفت چیزی نیست مگر استمراربخشی پیشرفت به‌سوی دموکراتیزه‌سازی بنیادین.

به اعتقاد من درک این نکته بسیار حائز اهمیت است که سوسیالیسم بولیواری از پایین ساخته شده است. این امر بر حسب قانونی نانوشته به دولت تحمیل شده است که خود را در برابر منافع مردم پاسخ‌گو بداند. دولت اشتراکی متشکل از مردم، با سخن‌گویان شوراهای همگانی و کمون‌ها، شهرهای اشتراکی با افق دیدی فراخ برپا خواهند داشت که همانا دولت اشتراکی نوین است.

به عبارت دیگر، نمی‌توان شهر اشتراکی را به‌مثابه هدفی در خود مفروض داشت. شهر اشتراکی قسمتی از یک فرآیند متری است. پس از آن‌که دسته‌بندی شهرهای اشتراکی مختلف انجام شد نوبت به کنفدراسیون کمون‌ها می‌رسد و مازاد تمام این‌ها در هدفی استراتژیک یعنی آفرینش دولت اشتراکی نوین متبلور می‌شود.

**جنیفر لموس:** در واقع، از نظر فنی یک شهر اشتراکی حاصل جمع چندین کمون در منطقه است. فرای آن این شهر فضایی است برای اعمال حاکمیتی خودگردان و خودمختار. اما باید حرفم را محدود کنم: ما کموناردها هنگامی که از حکومت حرف می‌زنیم، درباره‌ی مردمانی حرف می‌زنیم که می‌خواهند حاکمیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در قلمرو به‌دست بگیرند. در دو کلمه: قدرت مردمی.

کمون — و متعاقبا شهر اشتراکی — فضای مواجهه و توانمندسازیِ افرادی است که جامعه، فرهنگ، اقتصاد و خصایص سیاسی را به اشتراک می‌گذارند و در منطقه زندگی می‌کنند. در کمون، ما در مواجهه با هم، خود را بخشی از یک جامعه معرفی می‌کنیم و به رویاهای مان جامعه‌ی عمل می‌پوشانیم. از طریق بسط این فضای گره‌خورده با هویت‌های مان، شهر اشتراکی خلق می‌شود. شهرهای اشتراکی، میراثِ فرمانده چاوز بوده و با ایده‌ی «همه‌ی قدرت به دست مردم» پیوندی ژرف دارد.

برای ما، شهر اشتراکی هم‌چنین مجالی برای سازمان‌دهی خویش و برپا داشتن قدرت از پایین در میان انسان‌های برابر است. علاوه بر این، ما توان خود را صرف ساختِ جمع‌ی شهر اشتراکی چاوز می‌کنیم چرا که معتقدیم شهرهای اشتراکی ستون دولت اشتراکی هستند که پیوندی ناگسستنی با سوسیالیسم دارد و راهی است در راه نیل به آن چه چاوز «والا ترین سعادت» نامید.

### **سوال: کمون‌ال‌مویزال برای نیل به کدامین مقصود شهر اشتراکی چاوز را بنا می‌کند؟**

**لموس:** کمون‌ال‌مویزال از سه سال پیش هدف خود را برای ساخت شهر اشتراکی گسترش داد چرا که آرزوی ما مشارکت در برپایی شهر اشتراکی در منطقه‌ی خویش است. اکنون ما به‌طور رسمی در حال بنا گذاشتن شهر اشتراکی هوگو چاوز هستیم که ابتدا از هفت کمون و هشت شورای همگانی تشکیل خواهد شد. شکل‌بندی [شهر] و مباحثه پیرامون آن، هسته‌ی اصلی این فرآیند هستند؛ ما در حال تعیین و تعریف اهداف و خواسته‌های جمع‌ی در جوامع محلی هستیم. علاوه بر این، مجادلات به قوانین [شهرهای اشتراکی] یاری خواهد رساند [که به‌زودی مورد بحث قرار خواهد گرفت].

مشکلات اقتصادی نیز همواره در این گردهمایی‌ها تاثیر گذاشته است. این حقیقت دارد که ونزوتلا بحرانی بزرگ را از سر می‌گذارند، با این حال ظرفیت زیادی در پی هم‌راستا شدن منابع کشور با پروژه‌ی کمون وجود دارد که اگر چنین شود قادر خواهیم بود به بسیاری از مشکلات مان فیصله دهیم.

به همین علت تلاش می‌کنیم تا تمامی نیروی‌های اصلی انقلابی گرد هم آیند. قطع به یقین، ما تفاوت‌ها و اختلافاتی داریم اما زمان آن فرا رسیده که رزم و توان مان را یکی سازیم. در شهر اشتراکی ما — تهیدست، فروتن، برابر — جملگی زیر سقف پروژه‌ی چاوز گرد هم خواهیم آمد. هم‌چنین امیدواریم که از شهر اشتراکی به اتحادیه‌ی کموناردها یاری برسانیم. این اتحادیه با اتکا به قدرت سیاسی و اقتصادی خود تبدیل به ابزار مهمی برای تحکیم قدرت مردمی از پایه‌ها، از پروژه‌ی اشتراکی، با تمام پیامدهایش خواهد شد.

**سیفوننتس:** همان‌طور که جنیفر گفت، نخستین هدف ما پیش‌برد ایده‌ی چاوز برای ایجاد دولت اشتراکی است، یعنی چیزی که «هدف غایی در راه سوسیالیسم» می‌نامید. او به ما وصیت کرده است که «یا [به] کمون یا هیچ» متعهد باشیم. چاوز استدلال کرد که دولت بورژوایی قدیمی، با چیرگی افراد سازمان‌یافته بر آن و تحقق راستین پروژه‌ی اشتراکی، پژمرده خواهد شد و با گذشت زمان دولت اشتراکی نوین به نمایندگی آحاد خلق جایگزین دولت بورژوایی می‌شود.

برای پیشرفت سازمان مردمی ضروری‌ست که مردم به عنوان آحادی برابر گرد هم آیند و برای دستیابی به هدف‌های مشترک برنامه‌ریزی کنند. برای تحقق این رخداد، درک این امر الزامی‌ست که نیازها، رنج‌ها و فضای فرهنگی مشابهی داشته باشیم. کمون فضایی است که ما دست در دست هم می‌توانیم رویاهایمان را به هم گره بزنیم.

پیشنهاد چاوز عبارت بود از بازسازمان‌دهی منطقه از طریق کمون‌ها که از سرحدات تعیین‌شده توسط قوانین پوسیده فراتر می‌رود (به‌ویژه مرزهای شهرستان‌ها و ایالت‌ها). در نظرگاه او جغرافیای سازمان با دستان مردم و مناسبات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی‌ای که آن‌ها در گذر زمان برپا می‌کنند، تعیین می‌شود. هیچ نهادی نباید مرزهای یک سازمان اشتراکی را تعریف کند.

به عبارت دیگر، چاوز یک جغرافیای سیاسی نوین را تصور می‌کرد که به شکلی دموکراتیک توسط مردم تعریف می‌شود. شهرهای اشتراکی تبلور این پیکربندی نوین هستند.

همان‌طور که به سمت شهر اشتراکی حرکت می‌کنیم — فضایی برای کمون‌ها — و هنگامی که در همه‌پرسی بنیادین آن شرکت می‌کنیم، «ژئوپولیتیک» جدیدی را تصویب خواهیم کرد. شهر اشتراکی بازحیات منطقه به دست مردم خواهد شد.

**سوال:** مجلس ملی بنا دارد تا به ترویج دست‌کم دو قانون مرتبط با کمون‌ها بپردازد: قانون شهرهای اشتراکی و قانون پارلمان اشتراکی. در حالی که عده‌ای این ابتکار عمل را به فال نیک می‌گیرند، برخی محتاطانه برخورد می‌کنند زیرا پیشنهادات قانونی جدید می‌توانند کمون‌ها را در ساخت هر می‌ایالات، تابع شهرستان‌ها کند و به موجب آن مسئولیت‌های اصلی را بر گرده‌ی کمون‌ها بگذارد: مثلاً زباله‌روبی یا توزیع گاز. نظر شما چیست؟

**لموس:** با کار و ایثار بسیار، ما برای کسب قدرت در منطقه‌ی خود با یک هدف به پیش رانده‌ایم: ساخت دولت اشتراکی برای پیش‌روی به‌سوی سوسیالیسم. ما تمام این اعمال را انجام نمی‌دهیم که در نهایت به زائده‌ای دیگر در دولت بورژوایی تبدیل شویم. به‌عنوان شاخه‌ای بر تنه‌ی دولت نوین ما باید مسئولیت‌های مان را در منطقه‌ی خود به عهده بگیریم و این با حواله‌کردن مشکلات دشوار از نهادها به دوش کمون‌ها هم‌خوانی ندارد بلکه ما معتقدیم کمون‌ها (و شهرهای اشتراکی) باید منطقه، هویت برنامه‌های مشترک، اهداف و مسئولیت‌ها را متعین کنند. ما به بهترین وجهی به نیازهای مان و راه حل مشترک آن‌ها وقوف داریم. هدف شهرهای اشتراکی از میان برداشتن شهرداری‌ها، دولت‌های محلی یا نهادهای شان نیست بلکه قصد داریم دولت نوینی را پایه بگذاریم و در راستای فراروی از ساخت‌های کهن تلاش کنیم.

**سیفونتس:** در حین صحبت از قوانین تازه باید هوشیار بود که در دام اصلاح‌طلبی اسیر نشویم. نگران‌کننده است که چگونه برخی از مفاد طرح چاوز برای نیل به شهرهای اشتراکی نادیده گرفته می‌شوند. برای تولد دولت نوین ضروری است که با این گرایش‌ها مبارزه شود. ما در ساختارهای دولت بورژوایی زندگی می‌کنیم که از منافع مشترک تبعیت نمی‌کند و برای بازتولید استثمار مهیا شده است. این دولتی است که ما امروز داریم. با این وجود با نیم‌نگاهی به قانون اساسی می‌توان دریافت که ایده‌ی چاوز درباره‌ی کمون در آن موجود است.

شورای ملی حول ادغام کامل کمون درون قوانین اساسی جمهوری بولیواری و نوزئلا بحث می‌کند و بر همین اساس ما فرایند گفتگوهای ملی را پیشنهاد می‌دهیم. این راهی است برای اطمینان از این که قوانین جدید واقعا برآمده از خواست مردم، کوشندگان کمون‌ها، و رهنمودهای چاوز باشند نه مبتنی بر اصلاحات اتحادیه‌ی کمونارها — که فضایی است ملی و جهت‌گردهمایی و ترویج کمون‌ها — قطعاً در این باره مذاکره خواهد کرد. در کمون‌ال‌مویزال بحث پیرامون مدارس سیاسی ایدئولوژیک و آرایش فنی کمون‌ها و همچنین فضاهای آموزشی اتحادیه‌ی کمونارها ترویج خواهد شد. ما بحث‌ها و پیشنهادات را از پایه مطرح می‌کنیم. در رابطه با قانون شهرهای اشتراکی که شورای ملی گسترش خواهد داد، درک این که شهرهای اشتراکی هدفی در خود و تالی نهادهای واقعا موجود نیستند، واجد اهمیت است. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، شهر اشتراکی گامی است در جهت ادغام کمون‌ها در دولتی جمعی و از آن مردم. حال که گفتگو می‌کنیم، پیشنهاداتی متصل و مبتنی بر تصورات بوروکراتیک مطرح می‌شوند که می‌توانند از طریق روندهای اداری از بیرون و مقررات نهادی در ساخت شهرهای اشتراکی اعمال نفوذ کنند و دموکراسی

مشارکتی را تحت‌الشعاع قرار دهند. شرایط در هر قلمرو اشتراکی بسیار متفاوت است چرا که برخی از آن‌ها شهری و برخی دیگر روستایی، تعدادی مولد و تعدادی دیگر خدماتی هستند. علاوه بر این، برخی کمون‌ها با هنجارهای دولت مرکزی مطابقت دارند و برخی دیگر خیر. با این حال، این‌ها نباید مانعی در راه ساخت شهرهای اشتراکی ایجاد کنند. در واقع، روحیه‌ی جمعی و همبستگی درون یک شهر اشتراکی باید به تشریک مساعی میان کمون‌ها منجر شود که این امر نیز به تقویت حکومت خودگردان و انطباق با هنجارها یاری می‌رساند. خطا خواهد بود اگر قانون، هم‌چون سدی در برابر پیشرفت سازمان‌های توده‌ای، در مسیر ترقی شهرهای اشتراکی سنگ‌اندازی کند. تحکم نسبت به شهرهای اشتراکی نیز خطاست. وزارت کمون‌ها قادر است در ساز و کارهای کمون‌ها مشاور و همراه باشد، همان‌طور که دولت‌های منطقه‌ای و حزب متحد سوسیالیست ونزوئلا (PSUV) می‌توانند. با این حال، ابتکار عمل برای ساخت شهرهای اشتراکی با مردم است.

کمون‌ها، شهرهای اشتراکی و در نهایت دولت اشتراکی، باید مخلوق توده‌ها باشند. پروژه‌ی اشتراکی از آن مردم است نه نهادها و این باید کاملاً روشن باشد که کمون نه زائده‌ی نهادها است و نه قائم به منطق آن‌ها.

ما هم‌چنین باید در رابطه با قانون پارلمان اشتراکی که در مجلس ملی، محل بحث خواهد بود هشیار باشیم، چرا که برخی قصد دارند کمون‌ها را در همان ساختارهای دولت بورژوازی مستقر کنند.

بر اساس هرم کلسن، یک تشکیلات پارلمانی در سطح ملی وجود دارد (مجلس ملی)، در زیر آن ارگان‌های قانون‌گذاری در سطح منطقه‌ای و در لایه‌ی زیرین شوراهای شهری قرار می‌گیرند. همان‌طور که جنیفر اذعان کرد، باید مراقب گرایشاتی باشیم که قصد دارند شوراهای همگانی و کمون‌ها را با قوانین شهرداری‌ها منطبق کنند چرا که چنین اقدامی اشتباه فاحشی است. اگر شوراهای همگانی در هرم کلسن وارد شوند لاجرم تحت انقیاد ساخت‌های دولت قدیم قرار می‌گیرند. از نظر ما، قوانین پارلمان اشتراکی باید به تدریج فضایی را برای نظام یک‌پارچه‌ی کمون‌ها بگشاید که در عین حال حامل دولت اشتراکی نوین است.

**سوال: روند برپا داشتن کمون (هم‌چون هر فرآیند انقلابی) الزاماً منجر به تناقضاتی داخلی و خارجی می‌شود. تضادها و مجادلات کنونی کدام‌اند؟ برای رهایی جمعی چگونه در جهت رفع آن‌ها تلاش می‌کنید؟**

**سیفوننتس:** تضاد اصلی با حزب متحد سوسیالیست ونزوئلا و نهادهای دولتی است. سوال این است که چه کسی به اعتلای سازمان‌های توده‌ای و دولت اشتراکی نوین یاری می‌رساند؟ در این باره، یک مجادله‌ی داخلی نه چندان آشکار در رابطه با لزوم غلبه بر دولت بورژوازی قدیمی وجود دارد. تا نوبت به این پرسش می‌رسد، مقاومت و مانع‌تراشی‌ها آغاز می‌شود. در مباحثات مردمی، ما به نفع دولت اشتراکی نوین استدلال می‌کنیم.

ما به‌عنوان کمون‌ال‌مویزال نسبت به اصول انقلابی و پروژه‌ی چاوز مسئولیت‌های سیاسی داریم. بر این اساس تکلیف ما نه ترویج چشم‌انداز خاص خودمان بلکه ترویج مباحثه است. ما از طرف کمون‌ال‌مویزال مشوق این بحث‌ها هستیم. نهم و دوازدهم ژانویه ما نشست‌های تشکیلات ترویج شهرهای اشتراکی چاوز را برگزار کردیم. هر دو نشست در دانشگاه Sarare's Sucre Mission برگزار کردیم. [فضایی که کمون در ایالت لارا بازیابی کرده است.] افراد زیادی در جلسه حاضر بودند. از شهردار محلی، مدیران شهری، رهبری محلی حزب متحد سوسیالیست ونزوئلا و از همه مهم‌تر سخنگویان کمونارهای محلی. با وجود مجادله و برخی موانع در بحث، روحیه‌ی جمعی و دموکراتیک بر گرایشات نهادی غلبه کرد و اکثریت غالب شد.

توافق شامل طرحی برای بازدید از قلمروها [که از پنجشنبه ۱۴ ژانویه آغاز می‌شود] و طرحی نیز برای تشویق به بحث در راستای یک هدف مشخص است: تهیه‌ی پیش‌نویس برای تشکیل شهر اشتراکی. ما پیشنهادات را به شورای ملی ارسال خواهیم کرد. بدین وسیله ما پای‌بندی خود را به شعار چاوز نشان می‌دهیم: فقط مردم، منجی مردم هستند. ما مدافع میراث چاوز، دختران و پسران چاوزیم که به «یا کمون یا هیچ» وفاداریم.

**لموس:** در واقع، تناقضات پرشماری وجود دارد. با این حال ما یک هدف تاریخی واحد داریم که ساخت سوسیالیسم است و همه چیزمان را برای نیل به آن فدا خواهیم کرد. من معتقدم که کلید غلبه بر تناقضات، شنیدن صدای چاوز است. چاوز، مدرسه‌ی ما بود و کماکان می‌توانیم از او بیاموزیم. او می‌تواند راه پیش‌رو را روشن سازد. علاوه بر این، حل تناقضات در کمون‌ال‌مویزال در گرو سرمشق خوب‌بودن و تداوم سخت‌کوشی است. بدین وسیله، ما در حال ساخت یک الگوی نوین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با مردم هستیم؛ الگویی که پدرسالارانه و از بالا نیست بلکه الگویی است هم‌بسته و یکپارچه در میان آدم‌های برابر.



ما در کمون ال مویزال، هر سپیده چشمان خود را با هدفی روشن باز می‌کنیم: برپا کردن سوسیالیسم با تشریک مساعی. ما ایمان داریم و بر قلبمان حک کرده‌ایم که تنها و تنها مردم، رهایی‌بخش مردم هستند.

از کمون ال مویزال و به زودی از شهر اشتراکی هوگو چاوز، یگانه راه خروج از باتلاق (وضع موجود) دست نهادن در دست کسانی است که به میراث چاوز باور دارند. این ما هستیم که دیگران را قانع خواهیم ساخت که آرمان چاوز نه یک رویا بلکه به میانجی عمل مردم در حال تحقق است. مسرورم از این که در جلسات برای طرح‌ریزی شهر اشتراکی نوین، انسان‌هایی مشتاق و متعهد را می‌بینیم که طالب حرکت جمعی به پیش هستند. ما مشعل چاوز را در گوشه گوشه‌ی منطقه روشن می‌کنیم و ایمان داریم که شهر اشتراکی چاوز به زودی زود نه یک پروژه‌ی صرف بلکه تحقق واقعی یک رویا خواهد شد. وانگهی، ما باور داریم که این شعله با عمل اتحادیه‌ی کمونارها تسری خواهد یافت.

**سوال: بله، این روند بازگشتی است به آرمان چاوز و در پایان مایل‌ام از کوشش‌های شما برای بازیابی و احیای طرح انقلابی در کمون ال مویزال بپرسم.**

**سیفوننتس:** دغدغه‌ی ما به دست فراموشی سپرده‌شدن پروژه‌ی چاوز است. در سال جاری قصد داریم که یک پویش ارتباطی در راستای بازیابی چاوز خلق‌ها ایجاد کنیم: چاوزی که پروژه‌ی دولت اشتراکی را همچون وصیتی برای ما به جا گذاشته است.

چاوز برای هر مبارزه‌ی انتخاباتی احضار می‌شود گرچه بسیاری برنامه‌ی او را وا گذاشته‌اند. به فراموشی سپردن این پروژه به‌علاوه‌ی فساد، بوروکراسی و دیگر انحرافات، موجب نارضایتی مردم نسبت به فرآیند انقلابی و نسبت به شخصیت چاوز می‌شود. این اتفاقی است که در خانواده‌ها و همسایگان ما می‌افتد. البته تحریم‌های جنایت‌کارانه‌ی امپریالیسم و پاندمی نیز به ما صدمه وارد می‌کند اما در نهایت این تکلیف ماست که اشتیاق مردم را نسبت به چاوز مردم حفظ و احیا کنیم. مثالی می‌زنم: گرچه جنبش چاوایسم در انتخابات پارلمانی اکثریت آرا را به دست آورد اما این ما هستیم که باید واقعیت این نتایج را مورد بررسی قرار دهیم. ما باید چاوایسم محبوب و چاوایسم قابل اعتماد را بازیابی کنیم و این به مردم وابسته است که میراث چاوایسم را از شر بی‌کفایتی، لاقیدی و فساد نجات دهند. چاوایست صادق یعنی اعتقاد به مردم، نه سودجویی از منابعی که متعلق به مردم است و ما در کمون ال مویزال اقتدار اخلاقی بر زبان آوردن چنین سخنی را داریم!

امسال ما در راه نجات چاوز محبوب‌مان که به مردم تعلق دارد، به پیش خواهیم رفت.

منبع:

<https://mronline.org/2021/01/23/realizing-the-dream-of-communal-cities-a-conversation-with-jennifer-lemus-and-jose-luis-sifontes>